

از لابلای یادداشت ها و نیشته روزمره ام

افغانستان و مجموعه ترکیبی تروریسم و بنیادگرایی

بررسی و تحلیل الگوهای موجود جنگ بدون چارچوب اخلاقی

در اینجا بمنظور وضاحت بیشتر موضوع، نخست به مواردی درباره الگو پرداخته و پس از آن به اصل مسأله مورد بحث اشاراتی بعمل خواهد آمد. الگو، مدل یا سلسله ایی از قوانین می باشد که با استفاده از آن می توان هر چیزی و یا قسمتی از یک چیز را تولید نمود. دانش شناخت الگو به شناسایی الگو معروف است. الگو در واقع تولید هر چیزی است که با تکرار عجین و سرشته شده باشد. در فرهنگ سخن آمده که الگو واژه ترکی است. بصورت کلی می توان بوسیله مردم الگوها را تشخیص داد. گاهی الگوها مانند فرش کردن منظم یک صفحه، پدیده و تقسیم نمودن دودویی متوازن نامگذاری می شوند. الگوهای پدیده های طبیعی از اصول معینی تبعیت می نمایند. در حالیکه ظاهر بیرونی الگوها کاملاً پیچیده بنظر می رسند، قوانین مورد نیاز برای ایجاد و یا توصیف شیوه تشکیل آنها می تواند بسیار ساده باشند.

افزون بر الگوهای ایستا، ممکن است از الگوهای پویا مانند نوسان نیز سخن به میان آید.

نیاز به سیستم های اطلاعاتی بهبود یافته بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفته است، چرا که اطلاعات بمتابجه عنصر اساسی در تصمیم سازی است و جهان در حال افزایش دادن مقدار اطلاعات در فورم های مختلف با درجه های از پیچیدگی می باشد. یکی از مسایل اصلی در طراحی سیستم های اطلاعاتی مدرن، تشخیص الگو بطور اتوماتیک است. تشخیص بمتابجه یک صفت اصلی انسان بودن است. یک الگو، توصیفی از یک شی است. یک انسان دارای یک سیستم اطلاعاتی سطح بالاست که یک دلیل آن داشتن قابلیت تشخیص الگوی پیشرفته است.

بطور کلی، طراحی یک سیستم تشخیص الگو چندین مسأله اصلی را در بر می گیرد: (۱) طریقه نمایش داده ها، (۲) استخراج ویژگی ها و (۳) عملکرد و تصمیم بهینه.

قابل تدکر پنداشته می شود که بررسی شرایط تاریخی کشور عزیز ما افغانستان بمفهوم اخص کلمه و چگونگی علل پیدایش تروریسم، بنیادگرایی و تجزیه طلبی و همچنان شیوه تشکیل دولت ها در مناطقی از کشورهای آسیایی و نحوه سیر تکاملی جهان بمفهوم عام کلمه، باید بمتابجه ویژگی های ملی و عوامل ذهنی

مربوط به سیاست داخلی حاکمیت های موجود در این کشورها و همچنان موضعگیری دولت های همجوار را که به نحوی از انحاء در مجموعه حوادث مربوط به کشورما تأثیرگذار می باشند، مطمح نظر قرار داد.

نباید فراموش نمود که در شرایط و وضعیت کنونی، عمده ترین تهدید از جانب تروریسم و بنیادگرایی متوجه کشور عزیزما می باشد، مرکز و منبع تهدید یادشده بصورت عمده و کلی نظامیان پاکستانی و حلفات مذهبی آن کشور محسوب می گردند. با موجودیت طویل و عریض قوت های نظامی ایالات متحده و ناتو در کشورما که بیشتر از پانزده سال را در برمی گیرد، بنیادگرایی مذهبی و تروریسم همچنان رشد داده شده و شاخ و پنجه می یابد و با اینکه قوت های نظامی بین المللی در کلیه ساحات و اراضی میهن عزیزما مصروف فعالیت های نظامی و تداوم "جنگ علیه ترور" می باشند، شرایط و وضعیت عادی و اصل واقعیت موجودیت ثبات سیاسی حتی در فاصله های دوری هم بنظر نمی رسد. قرار اطلاعات واصله، در این اواخر ساحه تحت کنترل مخالفان سیاسی کشور وسعت حاصل نموده و نیروهای حکومتی و دولتی صرف بر شهرهایی تسلط دارند که در آنها گارنیزیون های امنیتی جابجا شده اند. قابل تذکر می باشد که وسایل اطلاعات جمعی، بصورت یک کل، اگر تمامی واقعیت را در اینمورد بازگو نمی نمایند، اما بخشی از واقعیت را انعکاس می دهند که جای تأمل می باشد.

قبل بر این، حمایت گسترده "طالب"ها توسط حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار و پشتیبانی بعضی از گروهها و حلفات مخالف حضور قوای نظامی خارجی در کشور از آنها، سبب گردید تا نیروهای مسلح مخالف بر وسعت اراضی تحت کنترل خویش افزوده و بخش بیشتری از اهالی کشور را با خود همراه و همصدا سازند. با در نظر داشت وضعیت منحصر بفرد جنگ در کشور، نیروهای ناتو قبل از همه به حملات هوایی بر مواضع مخالفان اکتفا ورزیده و معمولاً از اثراشتباهاتی در تشخیص و مورد هدف قرار دادن محلات مشکوک، بیشترین آسیب را از این رهگذر افراد ملکی متحمل می گردند که در نتیجه موجی از ناراضی را علیه نحوه عملکرد نظامیان خارجی بیار می آورد.

چنانچه در این مورد تذکر بعمل آمده که یکی از عوامل پیدایش و تقویت و شاخ و ریشه گرفتن نیروهای بنیادگرا و دهشت افکن، مسأله کشت، زرع و قاچاق بی سابقه مواد مخدر در کشورمی باشد. نیروهای ائتلاف در موقعیتی قرار ندارند تا به اقدامات موثری در زمینه مبارزه با این شرمتموسل گردند. در اینمورد سنگ اندازی ها و سیوتاز نیروهای موجود در داخل تشکیل دولتی نظام حکومتی کشور و قدرت های محلی و جنگ سالاران نباید فراموش خاطرما گردد که خود سبب ساز ناراضی بخشی از اهالی کشور بوده و همچنان وسعت بیکاری و نبود مدرک عایداتی و موجودیت فقر گسترده اهالی کشور نیز شرایط پخش و گسترش بنیادگرایی، تروریسم و دهشت افگنی را در مجموعه زندگی کشورما مساعد و مهیا می گرداند.

با در نظر داشت وضعیت کنونی و نحوه سیر حوادث در کشور، اکنون دیگر این مسأله کاملاً واضح و مبرهن گردیده که ایالات متحده و هم پیمانانش در شرایط کنونی کشورما با بن بست مواجه گردیدند. بنأء در صدد آن شدند تا ستراتیژی شان را در قبال حوادث کشورما اصلاح و ترمیم نمایند.

نباید فراموش نمود که ترک کامل کشورما برای قوای ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده، اصل ناگهانی، غیرمنتظره و نهایت دشواری محسوب می گردد. سیاست های ایالات متحده بصورت کل، نشاندهنده این امر می باشد که امریکایی ها با تمام مساعی در صدد آن می باشند تا کنترل شان را بر اراضی سرزمین ما همچنان ادامه دهند. علاوه بر آن، شواهدی دال بر موجودیت ذخایر سرشار نفت و گاز در صفحات شمال افغانستان، علاقمندی صاحبان و مالکان شرکت های چند ملیتی و انحصارگران نفتی را نیز بیش از پیش سبب گردید.

در کنفرانس منحصر بفردی که تحت نظارت سازمان همکاری های شانگهای در مورد افغانستان تدویر

یافت، به این امر تأکید بعمل آمد که حکومت‌های کشورهای عضو کنفرانس، اقدامات و عملکردهای جانب افغانستان و جامعه بین‌المللی را بمثابه یک کل، بمنظور برقراری ثبات اجتماعی - اقتصادی در کشور، ایجاد ساختارهای دموکراتیک، ارتقای ظرفیت و توانایی‌های اردوی ملی کشورها، ایجاد وسایل و امکانات تأمین نظم و قانون در کشور و موثریت و کارایی ارگان‌های عدلی و قضایی افغانستان و تأمین شرایط و امکانات حل و فصل مسایل و موضوعاتی که در قبال کشورها و منطقه مطرح بحث بوده و همچنان تأکید بر طبیعت چالش‌هایی که افغانستان و منطقه با آن مواجه می‌باشند، مورد مطالعه و بررسی قرار داده شد. همچنان در مورد سلسله مسایل دیگر و از جمله در مورد تداوم فعالیت‌ها و عملکردهای تروریستی در منطقه و مبارزه فعال و همه‌جانبه علیه ترافیک و قاچاق مواد مخدر در محلات یادشده نیز تبادل نظر صورت گرفته و این مسأله جداً قابل‌نگرانی پنداشته شد که از مبالغ بدست آمده از قاچاق مواد مخدر، در جهت تقویت و وسعت دامنه فعالیت‌های تروریستی وسیعاً استفاده بعمل آمده که در نتیجه ثبات تمامی منطقه را بصورت یک کل مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

قابل تذکر می‌باشد که طی سال‌های اخیر در اقدامات و عملکردهای "طالب"ها تشدید بعمل آمد. فاکتورهای مشخص و معینی سبب ساز موفقیت‌های نسبی آنها گردیده و بخصوص کمک‌ها و ابراز همدردی بخشی از اهالی کشور از جمله فاکتورهای مهم و قابل‌ذکر در این مورد پنداشته می‌شود. اما حال و احوال کنونی و بخصوص وضعیت نظامی - سیاسی کشور، بخصوص طی دو سال اخیر، با وجود آنکه بعضی از محلات کشور بمثابه مناطق صلح‌آمیز پنداشته می‌شدند، در شرایط و اوضاع و احوال کنونی به تشنج گراییده است. تشنج از مناطق جنوبی کشور آغاز گردید. دست‌اندرکاران امور چنین پنداشتند که "طالب"ها و سایر مخالفان مسلح کشورها در نخستین مراحل اعلام موجودیت‌شان، صرف‌قادر به تصرف چند منطقه شده و با وجود تصرف مناطق موردنظر، تسلط چندانی بر آنها نداشتند، اما بزودی قادر به تصرف بسیاری از محلات و مناطق کشور گردیدند که عمدتاً دربرگیرنده بعضی از مناطق و محلات در جنوب و شرق کشور می‌گردید.

نشریه "تایمز" نقشه‌ای را به چاپ رسانید که طی آن برای کارمندان و همکاران مأموریت سازمان ملل در افغانستان، نقشه‌ای را طراحی و دیزاین نمود که در آن مناطق عمده تشنج و محلات خطرناک معین و مشخص گردیده بود. در طول مدت زمان سال‌های قبل، مناطقی شامل ولایت‌های پکتیا، خوست، پکتیکا، غزنی، ذابل، ارزگان، هلمند، کندهار و نیمروز که در جوار خط "دیورند" موقعیت دارند، بمثابه مناطقی پنداشته شده بود که درجه بالای خطر آنها را مورد تهدید قرار می‌داد.

بعدها و پس از مدت چندین سال، محلات موجود در بخش‌های جنوبی، جنوب شرقی و مناطق شرقی کشور شامل مناطقی با "درجه بالای خطر" گردیده و بمثابه کانون‌های تشنج پنداشته شدند. علاوه بر آن، بعضی از مناطق شمال کشور، شامل بادغیس، فاریاب، بغلان و بخش‌های جنوبی بدخشان که قبلاً مناطق و محلات کاملاً آرام و بدون خطر شمرده می‌شدند، در شرایط کنونی بمثابه "مناطق و محلات دارای موجودیت متوسط خطر" محسوب می‌گردند.

در محلات متذکره، به گونه دوامداری، عملیات نظامی "معمول" اجرا گردیده و همچنان درگیری‌های محلی میان نظامیان دولتی و مخالفان مسلح نیز صورت می‌گرفت. محققان و ناظران امور ادعا می‌ورزیدند که دولت و نیروهای حکومتی صرف بر مراکز اداری محلات مربوطه تسلط داشته، اما محلات مسکونی و خارج از مرکز، همه و بصورت یک کل، تحت تسلط و حاکمیت مخالفان مسلح قرار داشت که در بسیاری از محلات متذکره هرج و مرج حاکم بوده و بازار باندهای آدمکشی و قاچاقبران مواد مخدر بیش از هر زمان دیگر گرم بوده و موارد سرقت درجاده‌ها نیز رو به فزونی نهاد. مطابق گزارش سالانه عفو بین‌الملل، دولت افغانستان و نیروهای بین‌المللی تأمین امنیت در کشور با وجود کوشش‌های فراوان،

در اوایل امر قادر به تأمین امنیت برای باشندگان سرزمین ما نبودند، با وجود تلاش های فراوان و سعی و کوشش نهایت وسیع بمنظور تأمین امنیت و بسط و گسترش آن، متأسفانه در نتیجه خرابکاری های دشمنان صلح و سلم مردم ما، اصل تأمین امنیت در اراضی میهن محبوب ما به امر غیر قابل دستیابی مبدل گردید. از یکجانب بمباردمان های قوای هوایی و از جانب دیگر اقدامات و عملکردهای خرابکارانه دشمنانه مخالفان و انجام ترور و انتحار در داخل کشور، بیش از پیش به تشنج اوضاع داخلی کشور افزود. هزاران تن از هموطنان ما به اشکال و صور گوناگون سر به نیست گردیده و به خاک و خون غلطیدند.

حکومت ضعیف، جنگ سالاری و نقش و اثرگذاری تجارت مواد مخدر، بصورت جدی اصل حاکمیت قانون و احترام به حقوق افراد را مورد تهدید جدی قرارداد. نیروهای امنیت دولتی با برخورداری از معافیت از مجازات، حقوق بشر را زیر پا می نمایند، مراجع عدلی و ارگان های حراست از قانون بازسازی نشده و همچنان دست ناخورده باقی مانده و قانون بالای همگان بصورت یکسان تطبیق نمی گردد.

این مسأله قابل تذکار می باشد که شرایط و وضعیت در کشور ما متأسفانه چه از لحاظ شکلی و چه از رهگذر کیفی و ماهوی در جهت منفی سیر نموده است. چه طی سال های اخیر، "طالب" ها ساحه و اراضی عملکردها و انجام اقدامات نظامی و جنگی شان را بخصوص در بعضی از ولایت های شرقی کشور بیش از هر زمان دیگر وسعت بخشیده اند. وضعیت در شمال و مناطق غربی افغانستان و بخصوص وضع امنیتی در ولایت های شمالی کشور که با ازبکستان و تاجیکستان هم مرز می باشند، نیز تعریف چندان نداشته و به تشنج گراییده است. همچنان الی همین اواخر مناطق و محلات شمال و غرب کشور که در مجموع آرام و بدون درگیری محسوب می گردیدند، اما اکنون خبرهای ناگواری در مورد تشدد گرایی و انجام اقدامات تروریستی علیه اشخاص و افراد نظامی و ملکی و انجام انواع تخریبکاری در ساحات دولتی و محلات بود و باش اهالی ملکی بیدفاع کشور به گوش می رسد.

در مورد بعدی باید متذکر گردید که در تاکتیک جنگجویان و چگونگی انجام اقدامات تروریستی آنها، عناصر جدیدی به مشاهده می رسد، از موجودیت چنین عناصر در عملکردها و اقدامات جنگی مجاهدین طی سال های ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰ و همچنان در چگونگی فعالیت های "طالب" ها نیز حتی اثری از آنها به چشم نمی خورد. در اینجا سخن از انجام عملیات و اقدامات تروریستی و حمله بر اهداف مورد نظر، بمنظور به قتل رسانیدن افراد نظامی و اشخاص ملکی و در صورت امکان، دسترسی به سلاح و مهمات نظامی، حمله بر همکاران و منسوبان پولیس، تخریب کاری در تأسیسات نظامی موجود در کشور (بصورت مشخص و در صورت امکان صدمه رسانیدن به کلیه تأسیسات موجود حکومتی و بسر رساندن اقدامات تخریبکاری در ارتباط به مفهوم "قدرت دولتی") و یا انجام انتهار و انفجار علیه مردمان بیدفاع ملکی کشور صورت می گیرد.

طی سال های اخیر در اراضی کشور، تلاش های نمایشی و در عین زمان انجام اقدامات تروریستی بزرگی، چه در مرکز و چه در محلات کشور بمنظور ترور اشخاص و افراد سرشناس کشور نیز به مشاهده رسید.

اهداف کلی و نتایج سازماندهندگان و مجریان اقدامات متذکره واضح و روشن می باشد، یعنی ایجاد فضای رعب و وحشت میان اهالی کشور و در این میان، دستیابی به اهداف و مقاصد مورد نظر. اما آنها با انجام چنین اعمال، جز ایجاد انزجار و مخالفت اهالی و باشندگان شریف کشور و افشای نیات ناپاک و غیر انسانی شان و برانگیختن موجی از نارضایتی اهالی کشور بر علیه فعالیت ها و کرده های شان، دستاورد دیگری نداشتند.

سوم ماه مارچ سال دو هزار و هفدهم